



سه شنبه ۸ مهر ۱۴۰۴ صفحه ۲۰ هزار تومان • سال چهارم • شماره ۸۹۳
www.hammihanonline.ir



آنچه از غرب مانده

یادداشتی از فرزاد نعمتی

درباره جنگ ۱۲ روزه و ضرورت احیای غرب پژوهی در ایران



تکرار الگوی احمدی نژاد؟

گفت‌وگو با مهدی اقراریان عضو شورای شهر
درباره مدیریت علیرضا زاکانی



قوی‌تر از بهانه‌ها

بررسی شانس ۳ نامزد نهایی برترین مربی زنان
که مرضیه جعفری سرمربی ایران نیز در میان آنهاست



اقتصاد دستوری؛ تخریب یا جهل؟

گفتارهایی از موسی غنی‌نژاد، علی میرزاخانی و حسام آرمندهی درباره قیمت‌گذاری

زاهدان

سه سال پس از واقعه

بازخوانی پرونده ۸ مهرماه ۱۴۰۱ و اقدامات اخیر دولت پزشکیان

موج آرزوی دختران بلوچ

روایت سه دختر که قهرمان موج سواری کشور شدند

الناز محمدی / دبیر گروه جامعه: تابه‌حال دلفین‌ها را روی اقیانوس دیده‌ای که چطور بین آب و آسمان، هلال می‌شوند و سرخوشانه به آبی دریا می‌پیوندند؟ عابد، نوشا، خدیجه و ونوس همیشه دل‌شان می‌خواست دلفین باشند. بچه‌های دریاهای جنوب، از وقتی چشم باز می‌کنند، ساحل می‌شود خانه‌شان و بین قطره‌های بیکران، دلفین‌هایی را می‌بینند که با لبخند روی آب بازی می‌کنند. دنبال هم می‌دوند. از هم جلو می‌زنند و در دسته‌های منظم جلو می‌روند. دخترهای بلوچ روستای زمین و کنارک چابهار هم همیشه دل‌شان می‌خواست توی دسته‌هایی هماهنگ، با لباس‌هایی یک‌دست، توی آب، روی موج‌های ساحلی بالا و پایین بروند و به هم لبخند بزنند. مدام جلو بروند، جلو بروند، جلو بروند و بشوند یک تیم بزرگ، روی موج‌های طلایی و تک جنوب شرق ایران، عروس دریاهای جنوب، بلوچستان.



بررسی سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا
همزمان با میزبانی دیشب کاخ سفید از نتانیاهو

صلح غزه یا نسخه ترامپ؟

کامران بخاری استاد دانشگاه جورج تاون

پس از حمله اسرائیل، دول عرب و ترکیه انگیزه بیشتری خواهند داشت که چینش امنیتی خودشان را تنظیم کنند. این قطعاً شامل هم‌راستایی بیشتری با ترکیه، مصر و حتی پاکستان خواهد بود که سعودی‌ها روابط نزدیکی با آن دارند. منتهی نسخه واشنگتن برای چارچوب امنیتی منطقه، شامل برقراری تعادل بین دول عرب، ترکیه و اسرائیل می‌شود.



سوزان نوسل کارشناس سیاست خارجی آمریکا

اعتقاد به نفوذ بیشتر از حد ترامپ و بی‌اعتمادی او به کارشناسان، کار را در مسیرهای انحرافی زمان‌بر، پرهزینه و گاهی خجالت‌آور پیش می‌برد که به‌وضوح از همان ابتدا تابلوی بن‌بست دارند. فعالان، سیاست‌گذاران و متحدان ایالات متحده، می‌توانند در اعمال نفوذ بر دولت و هل دادن ترامپ برای طی کردن سریع‌تر منحنی یادگیری‌اش، مؤثرتر عمل کنند.



سرمقاله

آینده ما اسیر دوگانه‌سازی

یکی از شگردهای رایج برای گریز از تعقل، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، ایجاد دوگانه‌هایی است که مسائل پیچیده را ساده‌سازی و اصطلاحاً قابل هضم جلوه می‌دهد. این رفتاری است که بیشتر در کودکان دیده می‌شود. آنها تمایل دارند جهان را در قالب قضاوت‌های سیاه و سفید یا صفر و یک ببینند. اما واقعیت سیاسی و اجتماعی به‌ندرت چنین است. معمولاً نه تنها گزینه‌ها به دور محدود نمی‌شوند، بلکه چندی‌اند و در هر مسیر هم ترکیبی از سیاه، سفید و خاکستری وجود دارد. یکی از موارد مهمی که امروز با آن درگیر هستیم، وضعیت خاور میانه است که با فرآیندهای جدیدی روبه‌رو شده است؛ فرآیندهایی که اقتضا می‌کند سیاست‌های ایران نیز در این مورد و در روابط خارجی به‌روز شوند و دوستان تازه‌ای تجربه گردند. تحلیل امروز صفحات دیپلماسی «هم‌میهن» ناظر به بخشی از این تحولات مهم در پرتو سخنرانی ترامپ در سازمان ملل متحد است. در چنین شرایطی، هر گونه دوگانه‌سازی برای فرار از مواجه شدن با واقعیت‌ها، بیش از پیش زبان‌بار است. سیاستمداران با ساختن این دوگانه‌ها، راه‌اول را پشت و ناز و معرفی می‌کنند و از همان ابتدا آن را کنار می‌زنند. سپس، چون فقط یک راه دیگر باقی مانده، بدون نقد جدی و بررسی تبعات آن، به‌طور خودکار راه دوم را تأیید می‌کنند. در سوی مقابل، برخی افراد نیز، راه دوم را چنان سیاه‌نمایی می‌کنند که مخاطب به‌طور طبیعی به سمت راه اول سوق داده شود. این شیوه نه تنها برای اقناع افکار عمومی درست نیست، بلکه اغلب نتیجه معکوس دارد. از همه مهم‌تر آنکه چنین رویکردی امکان کنشگری فعال را از سیاستمداران و جامعه سلب می‌کند؛ گویی آنان عناصری منفعل هستند که فقط باید یکی از این دوراه از پیش تعیین‌شده را انتخاب کنند. حال آنکه سیاستمدار واقعی کسی است که بتواند فراتر از این قالب‌ها بیندیشد، مسیرهای تازه خلق کند و ترکیب‌های بدیعی از منافع و ارزش‌ها بسازد. نمونه‌های چنین دوگانه‌سازی‌های خیالی فراوان‌اند. در ایران، بارها دوگانه‌هایی مانند «تسلیم یا مقاومت» یا «استقلال یا وابستگی» مطرح شده‌اند؛ گویی هیچ مسیر میانه‌ای مانند تعامل، مذاکره یا همکاری مشروط حتی موقتی وجود ندارد. همین امر، بسیاری از فرصت‌های تاریخی برای توسعه و رفیع بحران‌ها را از میان برده است. در سطح جهانی نیز می‌توان به دو نمونه مشهور اشاره کرد: نخست، جنگ سرد که جهان را به دو اردوگاه سرمایه‌داری و کمونیسم تقسیم کرد و کشورها ناچار بودند یکی را برگزینند. این نگاه صفر و یکی، ده‌ها جنگ نیابتی و هزینه‌های انسانی و اقتصادی هنگفت را بر ملت‌ها تحمیل کرد. دوم، شعار جورج بوش پس از ۱۱ سپتامبر بود که گفت: «یا با ما هستی یا علیه ما». این دوگانه‌سازی ساده‌انگارانه بسیاری از کشورها را به حاشیه راند و زمینه‌ساز جنگ‌های طولانی و پرهزینه در عراق و افغانستان شد؛ جنگ‌هایی که نتنها امنیت نیاوردند، بلکه بحران‌های تازه‌ای آفریدند. نتیجه روشن است: دوگانه‌سازی‌های خیالی، واقعیت را تحریف می‌کنند، امکان انتخاب‌های خلاقانه را از بین می‌برند و سیاست‌مدار و جامعه را در موقعیت‌های بن‌بست و انفعال قرار می‌دهند. برهون رفت، پذیرش پیچیدگی واقعیت و کنار گذاشتن وسوسه‌ی ساده‌سازی‌های فریبنده است. تصمیم‌گیری در عرصه‌های کلان، میان انتخاب‌های مطلقاً خوب و مطلقاً بد، یا صفر و صد نیست؛ بلکه میان گزینه‌های نسبی با هزینه‌ها و فایده‌های متفاوت است. درک و پذیرش این پیچیدگی نه نشانه ضعف، بلکه علامت بلوغ سیاسی و اجتماعی است.